

بررسی زندگی نامه و آثار محمد شفیع و محمد مهدی استرآبادی

علی قنبریان*
علیرضالیافتی

چکیده

بررسی زندگی و آثار محمد شفیع ابن محمد رضا استرآبادی و پسرش محمد مهدی استرآبادی (قرن ۱۳) و تمایز میان این محمد شفیع با محمد شفیع ابن محمد علی استرآبادی (متوفی ۱۱۱۷ قمری) موضوع این مقاله است. ملا محمد شفیع که محور این گفتار است، در منطقه استرآباد مقلدانی داشته و کتاب فارسی منهاج الاعمال در فقه و چند رساله در عقاید نگاشته است. ملا محمد مهدی نیز، علاوه بر زادگاهش استرآباد، نزد عالمان کربلا و قزوین درس آموخت، آنگاه به کرمانشاه و سپس به لکهنو (در هند) رفت. در هند، شاگردانی تربیت کرد، در برابر شیخیه و جریان دهلوی ایستاد و آثار متعددی در فقه و اصول به فارسی و عربی نگاشت. نسخه های خطی این آثار در مقاله معرفی شده است.

کلیدواژه

استرآبادی، محمد شفیع؛ استرآبادی، محمد مهدی؛ منهاج الاعمال (کتاب)؛ تاریخ تشیع - هند؛ استرآبادی، محمد شفیع و محمد مهدی - نسخه شناسی آثار؛ تاریخ تشیع - قرن سیزدهم.

* مصحح متون کهن، دانشجوی دکتری دانشگاه تهران.

مقدمه

از جمله دانشمندان ایرانی در دوره قاجار و از زمره مشاهیر نامدار خاندان هزارجریبی، محمد شفیع و محمد مهدی هزارجریبی استرآبادی می‌باشند. محمد شفیع پدر محمد مهدی مذکور و دارای رساله‌های بسیاری به زبان فارسی و عربی در علوم مختلف می‌باشند. متأسفانه علی‌رغم وجود آثارشان به صورت دست‌نوشته در کتابخانه‌های ایران، عراق، و هند قسمت اعظم آثارشان تصحیح و احیا نشده است. بررسی زندگی‌نامه و آثار این دو دانشمند، رسالت مقاله حاضر است.

فصل اول: محمد شفیع هزارجریبی استرآبادی

ملا محمد شفیع مجتهد هزارجریبی استرآبادی مازندرانی در منطقه هزارجریب که مشترک بین مازندران و استرآباد بوده دیده به جهان گشود. سال ولادتش روشن نیست، اما با توجه به اینکه فرزندش ملا محمد کاظم هزارجریبی در نیمه دوم قرن دوازدهم (بعد از سال ۱۱۵۰ ق) دیده به جهان گشوده و با توجه به اینکه در مورد ایشان تصریح شده که عمری نسبتاً طولانی داشته است، بنظر می‌رسد در نیمه اول سده دوازدهم (قبل از ۱۱۵۰ ق) دیده به جهان گشوده باشد.

پدر وی به تصریح فرزندش ملا محمد کاظم، محمد رضا هزارجریبی مازندرانی است که به صورت مفصل در مورد او در مجالی دیگر پرداخته شده و بیش از این نام، از او اطلاعات دقیقی در دست نیست.

تصحیح یک اشتباه

در بین علمای شیعه دو نفر با نام محمد شفیع استرآبادی وجود دارند که یکی از آن‌ها ملا محمد شفیع مجتهد استرآبادی مازندرانی پدر ملا محمد مهدی هزارجریبی است. اما شخصیت دیگری که به همین نام در کتابهای تراجم و شرح حال بدان پرداخته شده است، محدث و متکلم بزرگوار ملا محمد شفیع بن ملا محمد علی بن احمد بن کمال الدین حسین استرآبادی می‌باشد که اصالتاً از منطقه استرآباد (گرگان کنونی) بوده‌اند، که قبل از

ولادت ایشان، در اصفهان ساکن شده^۱ و خاندانی کاملاً علمی و شناخته شده بودند. پدرش ملا محمد علی استرآبادی، داماد مجلسی اول و باجناب ملا صالح مازندرانی بوده و بنابر این علامه ملا محمدباقر مجلسی (ره)، دایی ایشان می‌باشد. اجداد ایشان هم همه از علمای دین و محدثان معروف بودند.

از سوی دیگر به لحاظ دوره زندگی، ملا محمد شفیع بن محمد علی استرآبادی در بین سالهای ۱۰۶۲ تا ۱۱۱۷ق (برخی بین سال‌های ۱۰۴۵ تا ۱۱۰۶ق دانسته‌اند)^۲ در قید حیات بوده و استاد اجازه محمد اکمل بهبهانی^۳ (زنده در سال ۱۱۳۰ق)^۴ نیز به شمار می‌رود و فرزندان ایشان ملا محمد قاسم و ملا محمد طاهر بوده‌اند.^۵

برخی از بزرگان به جهت این تشابه اسمی، به اشتباه برخی از کتاب‌های مرحوم ملا محمد شفیع بن محمد علی استرآبادی را به ملا محمد شفیع مجتهد استرآبادی نسبت داده‌اند.

تحصیلات

در مورد تحصیلات ایشان اطلاعات کاملی در دست نیست، اما ظاهراً در برهه‌ای از زمان در قزوین و از محضر ملا محمد ملائکه برغانی قزوینی (وفات ۱۲۰۰ ق) و نیز در مرکز علمی آن دوره یعنی کربلای معلی از محضر استاد الکمل آقا باقر وحید بهبهانی (وفات ۱۲۰۶ ق) و به ویژه از فقیه عارف و سید سند، علامه سید محمد مهدی طباطبایی بروجردی معروف به بحر العلوم (وفات ۱۲۱۲ ق) استفاده علمی نمود^۶ و در این بین از سید بحر العلوم بیشترین بهره را برد.^۷ البته برخی ایشان را شاگرد شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر نیز بر شمرده‌اند^۸ که به نظر می‌رسد با توجه به سن ملا محمد شفیع و سال وفات ایشان و نیز مقدم بودن فرزندش

۱ اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین: اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، ج ۲، ص ۳۰۵.

۲ همان، ج ۲، ص ۳۰۵.

۳ پدر وحید بهبهانی.

۴ جعفر سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۳۴۶.

۵ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۹، ص ۳۴۲.

۶ سید حسن امین عاملی، مستدرکات اعیان الشيعة، ج ۶، ص ۲۷۶.

۷ محمد علی بن محمد صادق آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء ج ۱، ص ۳۸۷؛ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۲۰، ص ۶۲۲.

۸ حسن عیسی حکیم، المفصل فی تاریخ النجف الاشرف، ج ۶، ص ۳۷۷.

ملا محمد کاظم بر صاحب جواهر، این ادعا نادرست بوده و این دو بزرگوار هر دو از شاگردان سید بحرالعلوم بوده‌اند.

حیات علمی و اجتماعی

از زندگی ملا محمد شفیع استرآبادی پس از اتمام تحصیلات و بازگشتش به موطن خود یعنی استرآباد اطلاعات بسیار ناچیزی به دست رسیده است. تنها چیزی که می‌شود بدان اشاره نمود فعالیت‌های مختلفی از جمله برپایی مجالس درس و تربیت شاگردان متعدد و نیز هدایت مردم و بر عهده گرفتن امور مربوط به مرجعیت می‌باشد.

نسخه‌های رساله عملیه وی در برخی مناطق مازندران وجود داشته و به نظر می‌رسد در این مناطق مقلدانی داشته است.

ملا محمد شفیع مجتهد استرآبادی در خلال این ایام، ارتباط خود را با مراکز علمی آن دوران به‌ویژه نجف اشرف حفظ نموده و ظاهراً مکاتباتی با مرجع بزرگ شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر (ره) داشته است و در مقابل صاحب جواهر نیز در برخی مکتوباتش از وی تمجید نموده است.^۱

در مورد شاگردان ایشان نیز اطلاعات دقیقی در دست نیست، جز آنکه دو فرزندش ملا محمد کاظم^۲ و به‌ویژه ملا محمد مهدی^۳ دست کم از محضر علمی وی بهره برده‌اند.

آثار علمی

در کتاب‌های تراجم و فهرست نگاری مؤلفات شیعی، کتاب‌هایی به محمد شفیع استرآبادی نسبت داده شده که با تحقیقی که نسبت به این کتب و نسخ خطی آن‌ها و تاریخ اتمام یا کتابت برخی از آن‌ها صورت گرفت، روشن شد که دو اثر از این کتاب‌ها (رساله‌ای در موضوع بداء و رساله منهج الاعمال) قطعاً به دست ملا محمد شفیع مجتهد استرآبادی مازندرانی نوشته

۱ محمد علی بن محمد صادق آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۳۸۷.

۲ سیدحسن امین عاملی، مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۱۵۹.

۳ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعة، ج ۲۰، ص ۶۲۲؛ سیدحسن امین عاملی، مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۱۱.

شده و از آثار علمی ایشان هست، اما باقی عناوین یا احتمالاً به ایشان منسوب است و یا قطعاً تألیف ملا محمد شفیع بن محمد علی استرآبادی (وفات ۱۱۱۷ ق) است.

۱. منهاج الاعمال (فقه - فارسی)

عناوین اصلی این کتاب که در حقیقت رساله عملیه ایشان می باشد، چنین است:

مقدمه: در بیان فضیلت و افضلیت نماز از جمیع عبادات و همه طاعات؛

باب اول: در طهارت؛

باب دوم: در نماز؛

باب سوم: در زکات و خمس؛

باب چهارم: در روزه؛

باب پنجم: در حج و اعتکاف.

با توجه به اطلاعات برخی از نسخ، این کتاب را به درخواست شاهزاده محمد قلی میرزا فرزند فتحعلی شاه، به نگارش در آورده^۱ و سال نگارش آن هم با توجه به برخی از نسخ قطعاً قبل از ۱۲۳۷ ق است^۲ برخلاف نظریه صاحب الذریعة که نگارش آن را به درخواست فتحعلی شاه^۳ و سال فراغت از تألیف آن را ۱۲۴۰ ق برشمرده است.^۴

آغاز کتاب: «بسم الله رب العالمین... اما بعد چنین گوید متعش حریق ابدی بنده مستهدی محمد شفیع استرآبادی...»

* نسخه های خطی

الف) تهران، دانشگاه تهران، ش: ۵۳۹۱، آغاز: برابر، انجام: مسئله پنجم اگر ثابت شود بعد از نماز که پیش نماز فاسق یا کافر... است... به عدم عدالت پیش نماز، طهارت و نماز، خط: نسخ، بی کاتب، قرن ۱۳، ۲۵۲ برگ، افتادگی: وسط و انجام، کاغذ سپاهانی، جلد: تیماج، ۱۶ سطر (۱۰ در ۱۷)، اندازه: ۱۹ در ۲۵ سم.

1 <http://www.aghabozorg.ir/showbookdetail.aspx?bookid=191478>.

2 <http://www.aghabozorg.ir/showbookdetail.aspx?bookid=191478>.

۳ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۳، ص ۱۵۶.

۴ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۳، ص ۱۵۶.

ب) بیرجند، کتابخانه محمد علی دیانی، ش: ۱۷۶، آغاز: برابر، خط: نسخ، بی‌کاتب، ۱۲۳۶، جلد: تیماج، ۳۰۷ برگ، ۱۴ سطر، اندازه: ۱۵ در ۲۲ سم.

ج) بابل، مدرسه صدر (خاتم الانبیاء)، ش: ۱۲۲/۱، آغاز: برابر، کاتب: میرسید شریف بن سید مرتضی حسینی ساروی، خط: نستعلیق، تاریخ کتابت: ۱۲۳۸ ق، مجدول، جلد: تیماج، ۶۰۳ ص (۷-۶۰۹)، ۱۷ سطر، اندازه: ۱۶ در ۲۶ سم.

د) بابل، مدرسه صدر (خاتم الانبیاء)، ش: ۱۷۱، آغاز: برابر، خط: نستعلیق، بی‌کاتب، بی‌تا، جلد: تیماج، ۴۹۲ ص، ۱۶ سطر، اندازه: ۱۷ در ۲۱ سم.

لازم به ذکر است که رساله‌ای دیگر با عنوان منهاج الاعمال متعلق به شیخ حسین بلادی بحرانی است که در اصول دین و اعتقادات شیعه نگاشته شده و به مناسبت مسائل، آیات و احادیثی را نیز نقل کرده است.^۱

۲. رساله در موضوع بداء (اعتقادات - فارسی)

این کتاب که فارسی نگاشته شده است^۲ با توجه به موضوع آن کتابی اعتقادی و کلامی است. از آنجا که نسخه‌ای از این کتاب تصحیح و چاپ نشده و در دسترس نیست، سبک نگارش، نحوه استدلال و بیان مطالب آن روشن نیست.

۳. الرسائل الكثيرة (... - عربی)

مجموعه رساله‌های علمی، که موضوع آنها نامعلوم و روشن نیست که صاحب الذریعة آن را در کدام کتابخانه نجف دیده است و به صورت یک احتمال به ملا محمد شفیع مجتهد استرآبادی نسبت داده است.^۳

۴. اثبات الواجب (اعتقادات - عربی)

آغاز کتاب: «الحمد لمن جلا غياهب الشكوك و... عن آیات وجوب وجوده و اوضح مناهج الوصول... اما بعد فيقول المستهدى لربه الهادى محمد شفيع بن محمد...»

۱ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۲، ص ۲۱۷.

۲ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۲۰، ص ۶۲۲؛ محمد غروی، مع علماء النجف الأشرف، ج ۱، ص ۶۹۷؛ جعفر سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۷۵۵؛ سیدحسن امین عاملی، مستدرکات اعیان الشيعة، ج ۶، ص ۲۷۶.

۳ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۰، ص ۲۵۵.

نسخه: مشهد مقدس، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره نسخه: ۲۴۸۷۱، آغاز: برابر، انجام: و جعلناه علی وفق مراحه بعون الله المعین، خط: نسخ خفی، بی کاتب، بی تاریخ، ضمائم: ۱. فائده از: محمدباقر مجلسی (۲ ص)، ۲. من افادات العلامة آقا جمال خوانساری (۱۲ گ)، ۳. مقالة فی احکام النظر (۷ ص)، ۴. انوار الهدی فی تحقیق البداء از: سلیمان بن عبد الله بحرانی (۲۳ گ)، مهر: کتابخانه ناصریه لکهنو، واقف: علامه حامد حسین هندی، اهدایی رهبری، اسفند ۱۳۷۶، کاغذ: نخودی، ۸ گ، ۱۵ سطر (۶ در ۱۱/۵)، قطع: خشتی.^۱

از دیگر آثاری که به ایشان نسبت داده شده، کتاب الاربعون حدیثاً است که در مورد فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد و از کتاب‌ها حدیثی که از طریق اهل سنت روایت شده جمع آوری شده است، که قطعاً منسوب به ملا محمد شفیع بن محمد علی استرآبادی (وفات ۱۱۱۷ ق) است، زیرا برخی از نسخ آن در سال ۱۱۱۶ ق به دست محمد علی بن محمد قاسم بن محمد شفیع بن محمد علی استرآبادی - که نوه نویسنده می باشد- کتابت شده است.^۲ حتی در کتاب کشف الحجب هم نام نویسنده فقط محمد شفیع استرآبادی ذکر شده^۳ و برخی نیز تصریح کرده اند کرده اند، این کتاب نوشته محمد شفیع بن محمد علی استرآبادی است^۴ اما فهرست نگاران بعدی مانند صاحب الذریعة^۵ و دیگران نیز به پیروی از ایشان^۶ به اشتباه به ملا محمد شفیع مجتهد استرآبادی نسبت داده اند.

کتاب دیگری که به ایشان نسبت داده شده، رساله اعاده المعدوم است که این کتاب هم از ملا محمد شفیع مجتهد استرآبادی نیست با توجه به نسخه‌ای که از آن در کتابخانه ملک

۱ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۱، ص ۴۹۱.

۲ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۹، ص ۴۹۲.

۳ اعجاز حسین کنتوری، کشف الحجب و الاستار عن أسماء الكتب و الأسفار، ص ۳۷.

۴ اسماعیل بغدادی، هدیه العارفين: أسماء المؤلفين و آثار المصنفين، ج ۲، ص ۳۰۵.

۵ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشيعة، ج ۱، ص ۴۱۸؛ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۲۰، ص ۶۲۲.

۶ سیدحسین امین عاملی، مستدرکات اعیان الشيعة، ج ۶، ص ۲۷۶؛ حسن عیسی حکیم، المفصل فی تاریخ النجف الأشرف، ج ۶، ص ۳۷۷؛ محمد غروی، مع علماء النجف الأشرف، ج ۱، ص ۶۹۷؛ جعفر سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۷۵۵.

وجود دارد، تاریخ کتابت آن سال ۱۱۲۵ ق می‌باشد که مقارن با سال‌های ولادت ملا محمد شفیع مجتهد استرآبادی و بعد از وفات ملا محمد شفیع بن محمد علی استرآبادی است. با توجه به این مطلب به نظر می‌رسد که این رساله هم از آثار ملا محمد شفیع بن محمد علی استرآبادی باشد.

صاحب الذریعة پس از نسبت دادن کتاب به محمد شفیع استرآبادی می‌نویسد ایشان ساکن هند بوده^۱ که به نظر می‌رسد بین محل زندگی او با فرزندش ملا محمد مهدی استرآبادی اشتباهی رخ داده است.

فرزندان

از فرزندان ملا محمد شفیع استرآبادی بنابر قول مرحوم آقابزرگ تهرانی^۲ و سیدحسن امین عاملی^۳ تنها از نام دو تن از آنها که در کسوت علما و مراجع دینی بودند ذکری به میان آمده است:

۱. ملا محمد کاظم هزارجریبی استرآبادی حائری (وفات قبل از ۱۲۳۸ ق) که از شاگردان وحید بهبهانی و شاگردان ایشان بوده و تألیفات متعددی را به رشته تحریر درآورده است.
۲. ملا محمد مهدی هزارجریبی استرآبادی (وفات ۱۲۵۹ ق) از شاگردان نامدار سید علی حائری صاحب ریاض که از مراجع و فقهای ساکن در هندوستان به شمار می‌رفته و تألیفات فقهی و اصولی متعددی داشته است.

وفات

مرحوم ملا محمد شفیع مجتهد استرآبادی بعد از فرزند خود ملا محمد کاظم هزارجریبی مازندرانی از دنیا رفته است و عمری نسبتاً طولانی داشته است^۴ و بنابر ادعای فرزند دیگرش ملا محمد مهدی استرآبادی در سال ۱۲۳۸ ق زنده بوده است، زیرا با توجه به نگارش کتاب

۱ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۱، ص ۹۲.
۲ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۲۰، ص ۲۲۲.
۳ سیدحسن امین عاملی، مستدرکات اعیان الشيعة، ج ۶، ص ۲۷۶.
۴ همان، ج ۶، ص ۲۷۶.

احسن الاقوال در سال ۱۲۳۸ ق و تصریح به اینکه در نزد پدر عالمش شاگردی کرده است، از ایشان تعبیر به العلامة الاستاذ دام‌ظله نموده که حاکی از زنده بودن پدرش ملا محمد شفیع در این سال می‌باشد.^۱

برخی دیگر از تراجم‌نویسان نیز سال وفات ایشان را بعد از ۱۲۴۰ ق دانسته‌اند.^۲

فصل دوم: محمد مهدی هزارجریبی استرآبادی

ملا محمد مهدی هزارجریبی مشهور به مازندرانی استرآبادی است. ایشان فرزند ملا محمد شفیع و برادر کوچک‌تر ملا محمد کاظم می‌باشد. ملا محمد مهدی تألیفات متعددی در علوم مختلف داشته است. همچنین از جایگاه علمی بالایی در بین اقران خود برخوردار بوده، که شایسته است در این نگاشته ابعاد مختلف زندگی ایشان مورد بررسی قرار گیرد.

ولادت

ایشان در هزارجریب مازندران^۳ یا استرآباد^۴ دیده به جهان گشود. سال تولدش را کسی تعیین نکرده است، اما با توجه به شاگردی ایشان در محضر صاحب ریاض المسائل (وفات ۱۲۳۱ قمری)، احتمالاً در سال‌های انتهایی قرن دوازدهم یا ابتدای قرن سیزدهم به دنیا آمده باشد.

تحصیلات علمی

تحصیلات ابتدایی را در همان زادگاه گذرانده و بنا به تصریح خود، برخی علوم را در محضر پدر بزرگوارش که خود مرجعیتی در استرآباد داشته^۵ و نیز برخی از علمای منطقه شروع نمود. بعد از آن برای ادامه تحصیل به عراق که مرکز علمی شیعه در آن روزگار محسوب می‌شده، مهاجرت نمود، تا در درس مشاهیر علمای کربلا حضور یابد. حوزه کربلا در آن روزگار مهمترین مدرسه در بین مدارس شیعی به خصوص بعد از افول جریان فکری اخباری‌گری

۱ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۲۰، ص ۶۲۲.

۲ جعفر سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۷۵۵.

۳ محمد علی آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۱۹؛ مرتضی حسین صدر الافاضل، مطلع انوار، ص ۶۵۷.

۴ سیدحسین امین عاملی، مستدرکات اعیان الشيعة، ج ۶، ص ۳۱۱.

۵ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۲، ص ۵۶۳.



به شمار می‌رفت؛ و در دوره آقا وحید بهبهانی به جایگاه ویژه‌ای در بین مدارس و حوزه‌های علمیه آن روزگار دست یافت و بعد از ایشان نیز سالیان زیادی مهمترین مدرسه شیعی محسوب می‌شده که توسط شاگردان وحید بهبهانی اداره می‌شده است.

اساتید ایشان در کربلا، داماد وحید بهبهانی یعنی سید علی طباطبایی حائری صاحب ریاض المسائل (وفات ۱۲۳۱ ق)^۱ و برادر بزرگوارش ملا محمد کاظم هزارجریبی حائری (وفات قبل از ۱۲۳۸ ق) و دیگر بزرگان علمی و فقهی بوده‌اند.^۲

پس از سال‌ها تحصیل در حوزه کربلا و استفاده علمی و معنوی در مجاورت حریم حسینی، جهت تکمیل برخی از دانش‌های دیگر به قزوین هجرت کرده و به سلک شاگردان بزرگان برغانی درآمد. خاندان برغانی قزوینی در آن روزگار در قزوین، مدرسه بزرگی تشکیل داده بودند، که بسیاری از علما در آن تحصیل و تدریس نموده و برخی از مشاهیر علمی نیز پس از بی‌نیازی از تحصیل، در مدارس و حوزه‌های دیگر این شهر رحل اقامت افکنده و در همان‌جا به تدریس مشغول بودند. در این مدرسه اکثر علوم به‌ویژه فقه، اصول، فلسفه، کلام، عرفان، تفسیر... تدریس می‌شده و فرصت مناسبی جهت جامعیت و اتمام تحصیل بوده است. در مدت حضور در شهر قزوین از محفل علمی اخوان برغانی یعنی ملا محمد صالح برغانی (وفات ۱۲۷۱ ق) جدّ خاندان صالحی برغانی و همچنین از محضر شهید ثالث ملا محمدتقی برغانی قزوینی (شهادت ۱۲۶۳ ق در فتنه بهائیت) جد خاندان شهیدی قزوینی و نیز از درس ملا محمد علی برغانی قزوینی (وفات ۱۲۷۲ ق) و شیخ آغا حکمی قزوینی (وفات ۱۲۸۵ ق) و ملا عبدالوهاب برغانی (وفات ۱۲۹۵ ق) که در عرفان و فلسفه تبحر داشته‌اند، بهره‌مند گردید. دوره تحصیل ایشان تا سال ۱۲۳۴ قمری به طول انجامید، پس از آن به کرمانشاه نقل مکان نمود و سالیانی در این شهر به تدریس و تألیف مشغول بوده است.^۳

۱ محمد علی آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۱۹؛ شریف عبدالحی حسینی، نزّهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، ج ۷، ص ۵۰۵.

۲ سیدحسن امین عاملی، مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۱۱.

۳ همان، ج ۶، ص ۳۱۱.

مهاجرت به هند

بعد از سال‌ها حضور در کرمانشاه و تألیف برخی کتب سودمند و شناخته شدن در مجامع علمی، در سال ۱۲۴۰ ق به دعوت برخی از صاحب منصبان هند یعنی نصیرالدین حیدر به آن سرزمین هجرت نمود. پس از ورود به هند و اطلاع یافتن علما و دانشمندان و مشاهیر و مردم شیعه آن سامان و استقبال از ایشان، در شهر لکهنو که یکی از مهم‌ترین مراکز شیعیان و موطن خاندان‌های علمی مثل نقوی (خاندان سید دلدار علی نقوی) و موسوی نیشابوری (خاندان صاحب‌عبقات الانوار) بود، سکونت یافت.^۱ شخصیت او به قدری توجه نصیرالدین حیدر را به خود جلب نمود که به درخواست او و دیگر بزرگان و مشاهیر آن سامان یعنی ممتاز الملک مؤمن علی خان و نواب منتظم الدوله حکیم مهدی علی خان، برخی از کتب را در موضوعات مختلف تألیف نمود.^۲

ایشان در هند و در لکهنو حوزه درسی تشکیل داده و به تألیف، تدریس و تربیت شاگردان متعددی روی آورد و تا آخر عمر در همان جا زیست.

ابعاد شخصیتی

در مورد شخصیت و ابعاد اخلاقی این فقیه اصولی و عالم اخلاقی، عبارت مرحوم کشمیری گویای حقایقی جالب است:

«وی عالم متبحر و فاضل مجتهد و همیشه مشغول تصنیف، تألیف و تدریس بود و به گوشه عزلت و قناعت به سر می‌برد. اکثر مردم گمان دارند که آداب حُسن اخلاق و توجه و التفات را با کسی مرعی^۳ نمی‌فرمود لکن حق آن است که به جز اهل علم و جمعی از طلبه علوم که به جهت استفاده حاضر خدمتش می‌شدند با دیگر مردم ارتباط و ملاقات کمتر داشت. با عوام الناس از غیر اهل علم خصوصاً کاری و التفاتی نداشت و با جمعی که از اهل فضل و کمال یا طلبه علم و مستفیدان خدمت با برکت او بودند، به کمال تواضع و التفات و محاسن اخلاق و بذل اشفاق پیش می‌آمد».^۴

۱ محمد علی آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۱۹.

۲ همان.

۳ مراعات.

۴ محمد علی آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۱۹.



تکاپوی علمی

ملا محمد مهدی هزارجریبی استرآبادی از جمله دانشمندان و فرهیختگانی است که هم بر مسند مرجعیت فقهی قرار داشته و توانست در بین اقران خود جایگاه رفیعی یابد و بنابر دیدگاه برخی از شرح حال نویسان در بین علمای ساکن هند بی نظیر بوده است^۱ تا آنجا که مفتی سید محمد عباس شوشتری جزائری که در آن دوره طلبه ای جوان و فاضل بود و بعدها از مراجع هند گردید، از ایشان درخواست نمود شرحی بر کتاب معالم الأصول بنگارد، تا از آن بهره‌مند گردد و ایشان هم کتاب مغنم الأصول را نگاشت.^۲

علاوه بر آن در مقام دفاع از اعتقادات و مقابله با فرقه‌های انحرافی درون شیعی و برخی مذاهب اسلامی بسیار توانمند ظاهر شد. وی در دوره‌ای می‌زیسته است که دو جریان در برابر خط اصیل فکری شیعه اثنا عشری پدید آمدند:

الف) جریان نوظهور و منشعب از شیعه به نام شیخیه توسط شیخ احمد احسایی (وفات ۱۲۴۱ ق). این جریان عده زیادی را به خود جذب نمود تا جایی که در ابتدای امر، انحراف آن بر بسیاری افراد حتی برخی اهل علم نیز پوشیده بود، اما بعدها با علنی شدن این کجروی‌ها مخالفت‌ها شروع شد و کم‌کم کار به جایی رسید که در قزوین در مجلسی که خود شیخ احمد احسایی حضور داشت، با حضور علمای طراز اول، حکم به تکفیر وی شد.

دامنه این انحراف به حدی عمیق بود که بعدها جریان فکری انحرافی باییه از بستر این اندیشه باطل سر برآورد و مایه انحراف عظیمی به نام باییت و بعدها بهائیت شد.

ب) از سوی دیگر، در هند هم همزمان با ظهور وهابیت، جریان بی‌رهبری شاه ولی الله دهلوی (وفات ۱۱۷۶ ق) در اهل سنت با گرایش‌های اهل حدیث پدید آمد که در نهایت به ایجاد فرقه دیوبندی در شبه قاره شد. بعد از او پسرش شاه عبدالعزیز دهلوی (وفات ۱۲۳۹ ق) عنادش را با شیعیان شدت بخشید و این دشمنی را با نوشتن کتاب تحفه اثنی عشریه آشکار نمود که علمای شیعه و مرزبان حریم تشیع مخصوصاً خاندان موسوی نیشابوری هندی با نوشتن ردیه‌هایی از جمله اثر گرانسنگ عبقات الانوار، پاسخ کوبنده‌ای به سخنان بی‌اساس او دادند.

۱ مرتضی حسین صدر الافاضل، مطلع انوار، ص ۶۵۷.

۲ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۳.

ملا محمد مهدی استرآبادی در طول عمر پُربرکتش در هر دو عرصه نقشی بسزا ایفا نمود و با نوشتن کتاب‌ها و رسالاتی، به نقد و ردّ این دو جریان پرداخت و در برخی موارد مکاتباتی به صورت سؤال و جواب با برخی از این افراد داشته است. تعداد تألیفات ایشان که در موضوعات فقهی، اصولی، ادبیات عرب، حدیث، اعتقادات، کلام، تفسیر و فضائل اهل بیت علیهم السلام بوده، به بیش از بیست و پنج تألیف می‌رسد.

آثار علمی

کتاب‌ها و رساله‌های ملا محمد مهدی استرآبادی را می‌توان به چندین نوع دسته بندی کرد. به جهت پرکاربرد بودن، آثار ایشان را از حیث موجود و مفقود بودن به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

آثار موجود

۱. استحکام (فقه - فارسی) ^۱

رساله کوتاهی در مسائل و احکام صوم مشتمل بر چهارده فصل.

آغاز کتاب: «الحمد لله الذي جعل الصوم جنة من النار والصلوة ... اما بعد چنین گوید بنده حقیر معترف به قصور و تقصیر...».

انجام: «... الحمد لله على الاختتام والصلوة على محمد وآله الكرام، تمت».

نسخه خطی: قم: مرکز مطالعات، شماره نسخه ۸۸۹/۲، آغاز و انجام: برابر، خط: نستعلیق، کاتب: غلامعلی ملا، تاریخ کتابت: پنج شنبه ۱۶ شعبان ۱۲۴۵ق، جلد: تیماج قهوه‌ای، عطف پارچه، ۳۴گ، (۴۲پ-۷۵پ)، ۱۱ سطر، اندازه ۱۱ در ۱۸سم [ف: ۲-۱۵۴].^۲

۲. ثمرة الفؤاد (اصول فقه - عربی) ^۳

در مسئله ترجیح اجماع منقول که آن را در بلده کرمانشاه در اوایل سنه یک هزار و دو صد و سی و پنج (۱۲۳۵) هجری تصنیف فرموده بود.^۴

۱ مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۱، ص ۷۳۹.

۲ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۳، ص ۲۸۵-۲۸۶.

۳ مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۳، ص ۵۱۰.

۴ محمد علی بن محمد صادق آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۲۰.

تاریخ تألیف: چهارشنبه ۱۳ محرم ۱۲۳۵ق، محل تألیف: کرمانشاه.
 رساله در مسئله ترجیح اجماع منقول است، چنان‌که مؤلف نگاشته است: «ان هذه الرسالة قد صنفت لتحقيق مسألة اصعب بن خراط القتاد وهي ترجیح الإجماع المنقول بخبر الواحد من المجتهدين العدول من الشهرة المحققة او العكس عند التعارض على قواعد الأصول...»
 آغاز کتاب: «قویم لاثبات التکلیف الإلهی واستکشاف الأحکام الشرعية الفرعية كما هي...».

* نسخه های خطی

الف) مشهد مقدس، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره نسخه: ۱۸۷۰۳، آغاز: برابر، انجام: «والصلوة على افضل النبيين العظام محمد وآله الذين هم للتعقی مصابیح وللهدی اعلام»، خط: نستعلیق، بی‌کاتب، تاریخ کتابت: پنج‌شنبه ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۲۳۹ق، افتادگی: آغاز، واقف: رهبری، فروردین ۱۳۷۲، کاغذ: نخودی کشمیری، ۱۸گ، چهارده سطر، اندازه ۱۱ در ۱۸ سم [ف: ۱۱۷-۱۱۶].

ب) مشهد مقدس، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره نسخه ۱۸۷۰۴، آغاز: برابر، انجام: «الا ان يتمسک باصالة فشاء الأزمان»، نستعلیق، بی‌کاتب، تاریخ کتابت: ۱۲۳۹ق، افتادگی: آغاز.^۱

۳. حاشیه المطول (بلاغت - عربی)^۲

در کتاب نجوم السماء درباره این رساله چنین آمده: «دیگر حاشیه بر شرح مطول مسمی به مکمل است که آن هم به اتمام نرسیده و قدری از آن ناتمام مانده است».^۳
 آغاز کتاب: «الحمد لله البديع الذي جعل البيان مرقاة للوصول...».
 نسخه خطی: تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۸۲۴۷/۴، آغاز

۱ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۹، ص ۷۳۴.

۲ مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۴، ص ۴۲۲.

۳ محمدعلی بن محمدصادق آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۲۰.

نسخه: برابر، انجام: «... انما راهم فی السماء لما اسرى به و منه قوله تعالى»، خط: نسخ و تحریری، بی کاتب، تاریخ کتابت: قرن ۱۳، افتادگی: انجام، جلد تیماج مشکی، ۴ گ (۵۰۰ ر-۵۰۳ پ)، تزئینات متن: عناوین و نشانی‌ها مشکی، تزئینات جلد: تیماج مشکی، ترنج با سر، مجدول، قطع: ۱۴ در ۵/۲۰ سم. ۵۰۳ گ. سطور مختلف [مختصر ف: -۲۹۶].^۱

۴. رسائل (فقه - فارسی)

نسخه خطی: قم، مرکز مطالعات، شماره نسخه: ۸۸۹، شامل دو رساله:

الف) کنوز (۱ پ - ۴۱ پ).

ب) استحکام (۲ پ - ۷۵ پ)، نستعلیق، بی تا، ۸۰ برگ.^۲

۵. عدالت شرعیّه (فقه - فارسی)

رساله ای شامل دوازده فصل درباره حقیقت عدالت شرعی و تعداد گناهان کبیره و معنی گناه کوچک و تشویق به توبه برای تحصیل عدالت، که در شب سه شنبه، ۷ رجب ۱۲۴۴ ق، نگاشته شده است.^۳

آغاز کتاب: «الحمد لله الكبير المتعال والصلوة على محمد وآله خير آل... این رساله ای است معتدل خالی از ایجاز مخّل...».

انجام کتاب: «... شد ختم در سه شنبه هفتم ولی به شب... تاریخ آن تمام شده در مه رجب»

نسخه خطی: قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، شماره نسخه: ۷۶۴۰، آغاز و انجام: برابر، خط: نستعلیق، کاتب: علیرضا، تاریخ کتابت: سه شنبه ۲۲ جمادی الاول ۱۲۵۲ ق، ۲۹ گ، ۱۵ سطر، اندازه: ۱۵/۵ در ۲۳ سم [ف: ۲۰-۴۳].^۴

۶. غرة الجبین فی احکام الصلاة الواجبة الیومیة (فقه - عربی)

رساله مختصری است در بیان احکام نمازهای پنج‌گانه، که به التماس جمعی از دوستان و به

۱ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۲، ص ۴۰۴.

۲ مصطفی درایتی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۵، ص ۶۹۵.

۳ همان، ج ۷، ص ۴۳۵.

۴ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۲، ص ۶۳۳.

نام نواب منتظم الدوله حکیم مهدی علیخان در شش باب تألیف شده است:

۱. بیان شروط وجوب الصلاة در چهار مقدمه

۲. واجبات الصلاة، در سه مبحث

۳. مستحبات الصلاة در سه موقف

۴. محرمات الصلاة در سه منهج

۵. مکروهات الصلاة در سه فصل

۶. بیان ملحقات الصلوات در چهار مطلب.

آغاز کتاب: «الحمد لله على نعمته المتوافرة الجسميّة... اما بعد فيقول العبد المحتاج الى فضل ربّه الغني الهادي محمد مهدي...» انجام: «... وانعقد على رجحانه اتفاق الأصحاب وحكم باستحسانه اولوا العقول والأرباب الحمد لله الودود على اتمام الكتاب».

* نسخه های خطی و عکسی

الف) مشهد مقدس، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره نسخه: ۲۴۶۱۰، آغاز و انجام: برابر، خط: نسخ خوش، بی کاتب، تاریخ کتابت: قرن ۱۳، دارای کتیبه و سرلوح، مجدول، اهدایی: رهبری، اسفند ۱۳۷۶، جلد: گالینگور، ۱۲۸ گ، ۹ سطر، اندازه: ۱۴/۵ در ۲۳ سم، [اهدایی رهبری: ۳-۴۸۲].

ب) قم، مرکز احیاء میراث اسلامی، شماره نسخه: ۲۲۵۹،^۱ نسخه اصل: کتابخانه کاشف الغطاء، نجف اشرف، آغاز: برابر، خط: نستعلیق هندی، بی کاتب، تاریخ کتابت: در عصر مؤلف، تملک: شیخ علی بن محمد رضا بن هادی کاشف الغطاء، ۱۲۵ صفحه، [عکسی ف: ۶-۳۰۴].^۲

۷. فصل الخطاب في حجّة ظواهر الكتاب (اصول فقه - عربی)

رساله مفصل استدلالی در حجّیت ظواهر کتاب با استفاده از نظرات دیگران است که در روز چهارشنبه ۲۷ محرم ۱۲۳۵ ق، در شهر کرمانشاه نگاشته شده و مشتمل بر یک مقدمه

۱ مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۷، ص ۷۷۷.

۲ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۳، ص ۳۶۰.

کوتاه، اصل رساله و یک تتمیم است. مؤلف پس از مقدمه ابتدا هشت دلیل [که موافق دلایل مجتهدین است] درباره حجیت ظواهر قرآن ذکر کرده است:

۱. الآيات الكثيرة القرآنية الدالة على حجیة ما يفهم من ظواهر الكتاب.
۲. الروایات المستفیضة بل المتواترة.
۳. تقریر ائمتنا للرواة الأجلّة على احتجاجاتهم الواقعة عنهم.
۴. انه لو لم يكن الكتاب حجة في الاحكام لما امکن الاعتماد على شواهره لعلماء الاسلام.
۵. انه لا يستریب من له ادنى شعور و فهم و ادراك في ان الله انزل مع رسوله الامین الكتاب المبین الى عباده المكلفین.
۶. العلماء مطبقون باجمعهم على حجیة قول الرسول و الائمة المعصومین.
۷. الاصل بیان حرمة العمل بظواهر الكتاب و ما يفیده الفاظ الخطاب تکلیف زائداً على اصلة البرائة.

۸. ما اشار اليه من عليه اعتمادی و استنادی و ابن استادی في كتاب مفاتيح الأصول و هو ان التحقيق ان يقال انّ للكتاب باعتبار دلالته على الحكم الشرعی اصولاً و فروعاً ينقسم الى اقسام.

مؤلف در ادامه شش دلیل از دلایل اخباریها را ذکر کرده و می گوید: «حيث وقع الفراغ من ذكر ادلة المختار فلنرجع الى ذكر ادلة العاملين بالاخبار فمنها الآيات الدالة على وجوب اتباع الرسول...» سپس به بیان اخبار وارده در منع تفسیر به رأی قرآن پرداخته: «و اما الاخبار الواردة بالنهي عن تفسير القرآن بالرأى و الاستحسان فامراد بها احد المعنيين» خاتمه و تتمیم رساله در تحقیق سه مسئله است:

۱. وقوع زیادت و نقصان در قرآن،
۲. جواز عمل به هریک از قرائات هفتگانه مشهوره،
۳. آیا عمل به قرآن به خاطر شمول خطابات آن به ما به طریق حقیقت است یا اجماع علما بر مشارکت ما با سایر مخاطبین در احکام مستنبطه.

آغاز کتاب: «الحمد لله الذي اخرجنا الى النور من الظلام و الصلوة و السلام على افضل الانبياء العظام محمد و آله الذين للهدى مصابيح و اعلام؛ اما بعد فيقول العبد المستهدى من سيده الهادي محمد مهدي بن محمد شفيح الأسترايادي ... ان هذه الرسالة المسماة بفصل الخطاب قد صنفت لبيان ما هو التحقيق والصواب في حجّة ظواهر الكتاب ...»

* نسخه های خطی

الف) مشهد مقدس، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره نسخه: ۱۹۱۵۴، آغاز: برابر، انجام: «و هذا القدر لا يثبت الحقيقة الغوية و الشرعية الا ان يتمسك باصالة تشابه الأزمان ...». نستعلیق، بی کاتب، تاریخ کتابت: ۱۲۳۹ق، افتادگی: انجام، اهدایی: رهبری، ۱۳۷۲، کاغذ: کشمیری، جلد: گالینگور، ۴۱گ، چهارده سطر، اندازه: ۱۱ در ۱۸سم [اهدایی رهبری: ۱۱-۳۶۴]

ب) مشهد مقدس، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره نسخه ۲۴۸۱۹، آغاز: برابر، انجام: «... وربما يقول ان الأصل عدم الإشتراك الا ما ثبت فيه الإجماع و اتمامه في غاية الإتكال و الحمد لله الملك المتعال و الصلوة على محمد المصطفى و آل»، خط: نستعلیق تحریری، کاتب: فدا علی موسوی نیشابوری، تاریخ کتابت: یک شنبه ۱۶ صفر ۱۲۵۳ق، محشی با رمز «منه»، اهدایی: رهبری، اسفند ۱۳۷۶، کاغذ: حنایی، جلد: مقوا، ۱۵گ، ۲۷ سطر، اندازه: ۱۵/۳ در ۲۲/۵سم. [اهدایی رهبری: ۱۱-۳۶۲].^۱

لازم به ذکر است که علاوه بر محمد مهدی استرايادی، دو تن از دانشمندان اسلامی نیز کتاب با عنوان فصل الخطاب دارند:

- فصل الخطاب، اصول فقه، عربی، احمد بن محمد مهدی نراقی.
 - فصل الخطاب، اصول فقه، عربی، حسین علی بن نوروز علی تویسرکانی (۱۲۸۶ق).^۲
۸. فوائد (حدیث و تفسیر - فارسی)

نسخه خطی: مشهد، اصغرزاده (مجموعه)، شماره نسخه: ۴۳، بی کاتب، بی تاریخ کتابت^۳
[نشریه: ۷-۷۷۰].^۴

۱ همان، ج ۲۴، ص ۲۴.
۲ مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته های ایران (دنا)، ج ۷، ص ۱۰۱۷.
۳ همان، ج ۷، ص ۱۱۳۷.
۴ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۴، ص ۳۲۱.

۹. قساطیس العقول فی بیان قواعد علم الأصول (اصول فقه - عربی) ^۱
 کتاب مفصلی است در قواعد علم اصول فقه که ظاهراً موفق به اتمام تألیف نشده است. در
 کتاب نجوم السماء فی تراجم العلماء از کتاب فوق با عنوان رساله قاطیس العقول فی بیان
 قواعد الأصول نام می‌برد. ^۲

آغاز کتاب: «بسمله حمدله اما بعد فیقول العبد المفتاق الی عفو ربّه الهادی محمد
 مهدی بن محمد شفیع الأسترآبادی بصره الله بعیوب نفسه وجعل یومه خیراً من اسمه،
 هذه قساطیس العقول فی بیان قواعد الأصول صنفتها لتکون تذکرة لی وللطالبین وذخیره
 انتفع بها یوم الدین وعلی الله الإکتفاء والإعتماد فانه خیر ناصرٍ لجمیع العباد، تقدمة: اعلم
 ایها اللیب ... ان لفظ أصول الفقه له اعتبارات وبکل اعتبار له تعریف و بیان ...».
 انجام: «اذا لا یتصور علاقة بین فلکة الظن و العلم ینكون معتبرة و غایة».

نسخه خطی: مشهد مقدس، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره نسخه ۱۸۸۸۱، آغاز
 و انجام نسخه: برابر، خط: نستعلیق، بی کاتب، تاریخ کتابت: احتمالاً ۱۲۴۲ق، اهدایی:
 رهبری، فروردین ۱۳۷۲، ۷گ، ۲۴-۲۶ سطر، اندازه: ۱۷ در ۲۲/۵ سم [اهدایی: رهبری:
 ۱۱-۳۹۵]. ^۳

این نسخه منحصرأ شامل تعریف و توضیح واژه «اصول فقه» می‌باشد. ضمناً در ظهر برگ
 اول نسخه درباره کتاب آمده است: «الجزء الأول من قساطیس العقول فی بیان قواعد علم
 الأصول من تصنیف فحل الفحول، کشف اسرار المعقول والمنقول، عمدة المتأخرین...
 الأستاذ محمد مهدی بن محمد شفیع الأسترآبادی الفولادی ایده الله بتأییده الأبدی شهر
 ذی القعدة یوم الثلاثاء ۲۳ سن ۱۲۴۲».

لازم به تذکر است، جایی با نام فولاد محلّه در کنار شهر ساری است که امروزه جزء استان
 سمنان است، اما دارای گویش مازنی است. لازم است که تحقیقات میدانی بیشتری انجام
 شود.

۱ مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۸، ص ۱۸۷.

۲ محمد علی بن محمد صادق آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۱۹.

۳ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۵، ص ۱۵۹-۱۶۰.



۱۰. کنوز (فقه - فارسی) ^۱

در احکام و آداب نمازهای مستحبی، که در پنج گنج: ۱. بیان فضائل نوافل ۲. بیان اعداد نوافل یومیه ۳. اوقات نوافل ۴. احکام نوافل یومیه ۵. آداب نوافل یومیه، تنظیم شده است. آغاز کتاب: «نحمدک اللهم ربنا حمداً كثيراً ونصلي على من ارسلته بالحق...». انجام: «... والصلوة على محمد حبيب الله خاتم الانبياء المرسلين... ومحبيه اجمعين». نسخه خطی: قم، مرکز مطالعات، شماره نسخه: ۸۸۹/۱، آغاز و انجام نسخه: برابر، نستعلیق، بی کاتب، تاریخ کتابت: دوشنبه ۲۵ رمضان ۱۱۴۵ق، جلد: تیماج قهوه‌ای، ۴۱گ، (پ-۴۱پ)، ۱۱ سطر، اندازه: ۱۱ در ۱۸ سم [ف-۲-۱۵۳]. ^۲

اینکه کتابت نسخه ۱۱۴۵ قمری است، قطعاً دیگر محمدمهدی استرآبادی مورد بحث ما نیست، بلکه احتمالاً از آن میرزا مهدی خان استرآبادی است که هم دوره قائم مقام اول فراهانی (پدر قائم مقام دوم) است که صاحب دره نادری و منشآت و انشائات است. میرزا مهدی در حد قائم مقام بوده و سمت وزارت داشته است.

۱۱. معتدل (فقه - فارسی) ^۳

محل تألیف: لکهنو. در تحقیق حقیقت عدالت در دوازده فصل. فصل دوازدهم درباره توبه در پنج اصل. در اصل پنجم همین فصل از غفران مآب آقا سید محمدمهدی طباطبایی استاد والد ماجد خود یاد می‌کند. او نجم المؤمن هم دارد و آن را برای مؤمن خان نجم الدوله نوشته است نه رساله مورد سخن را چنانکه در الذریعه (۲۰۹/۱۲) پنداشته‌اند. سرگذشت نگارنده در نجوم السماء (۳۶۳ و ۳۹۵) و اعلام الشیعة (قرن سیزدهم، صفحه ۶۲۲) هست. آغاز کتاب: «حمد نامحدود لایق معبود واجب الوجودی است که بنای نظام عالم...». نسخه خطی: قم، کتابخانه رضا استادی، ^۴ شماره نسخه: نامعلوم، آغاز: برابر، نستعلیق، کاتب: علیرضا، تاریخ کتابت: سه‌شنبه ۱۲۵۲ق، مقابله شده، ۲۹گ، ۱۵ سطر، اندازه: ۱۶ در ۲۲ سم [۱۶۰ نسخه: ۵۱]. ^۵

۱ مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۸، ص ۸۴۷.
 ۲ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۶، ص ۸۵۷.
 ۳ مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۹، ص ۸۴۰.
 ۴ برای به دست آوردن نسخه، با آیت الله استادی که هم‌اکنون ساکن شهر قم است، تماس گرفتم. فرمودند که ۱۲۰ نسخه خطی داشتند و همه را به کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی واگذار کرده‌اند و برخی هم اکنون فهرست شده است.
 ۵ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۰، ص ۳۰۱.

۱۲. ممتاز در مسائل نماز (فقه - فارسی)

رساله‌ای فتوایی در بیان مسائل نماز، شامل مقدمه و چهار فصل و یک خاتمه که در سال ۱۲۳۷ ق تالیف شده است. مقدمه در شرایط و وجوب نماز،

فصل ۱. واجبات نماز دارای سه ماه

فصل ۲. مستحبات نماز دارای سه ماه

فصل ۳. محرمات نماز دارای سه ماه

فصل ۴. مکروهات نماز دارای سه ماه

خاتمه: در ملحقات نماز، دارای چهار فصل.

آغاز کتاب: «بسمله حمد و سپاس خداوندی راسزاست که دور است از ادراک عقول و حواس و درود بی قیاس پیغمبری را رواست که مبعوث شد برای هدایت و ارشاد طوایف ناس...».

انجام: «... و احتیاط در عبادات بلکه در هر باب مطلوب و محبوب جناب ربّ الارباب

است و الحمد لله الکریم الوهاب و الصلوة علی محمد و آله الاطیاب.»

نسخه عکسی: قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، شماره نسخه: ۱۷۰۶، آغاز و

انجام: برابر، نسخه اصل: کتابخانه ندوة العلماء، لکهنو، هند، شماره ۶۲ (ردیف ۶۶)، خط:

نستعلیق، بی کاتب، تاریخ کتابت: محرم ۱۲۴۶ قمری، مصحح ۸۲ ص، ۱۵ سطر [عکسی

ف: ۵-۱۳۸].^۱

۱۳. الموائد الهندية (گونگون - عربی)

کتابی در فوائد جلیله متفرقه که منتخب از تصانیف علمای سلف است و در تاریخ ۱۲۵۷ ق نگاشته شده است.

آغاز کتاب: «بسمله، احمد الله علی نعمه الوافرة واصلي علی نبيّه محمد وعترته الطاهرة،

اما بعد فيقول العبد المستهدي من سيده الهادي محمدمهدي بن محمد شفيع الأستراآبادي...»

نسخه خطی: مشهد، کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه مشهد، شماره نسخه: ۱۸۸۳۸/۲،

آغاز: برابر، خط: نستعلیق، بی کاتب، بی تاریخ کتابت، جلد: تیماج، ۲۳ سطر، [ف: ۲-۲۵۰].^۲

۱ همان، ج ۳۱، ص ۴۶۵.

۲ مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۱۰، ص ۳۲۳؛ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های

خطی ایران (فنخا)، ج ۳۲، ص ۴۰۵.

۱۴. مهارت در بیان مسائل طهارت (فقه - فارسی)

رساله‌ای در سی فصل شامل احکام طهارت است که در عهد سلطان نصیرالدین حیدر شاه فرمانروای آوَدَه (۱۲۴۳-۱۲۵۳ ق) و در سال ۱۲۴۸ ق نگاشته شده است. مسائل مطرح‌شده در این رساله به صورت فقه فتوایی است و در مواردی به اقوال فقهای قدیم و متأخر اشاره شده است. آغاز کتاب: «بسمله. بعد از حمد حضرت معبود و درود شفیعان یوم موعود، چنین گوید بنده ضعیف بی سواد ... مهارت در بیان مسائل طهارت که با وجود عدم فرصت و قلت فراغ ...»، نسخه عکسی: قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، شماره نسخه: ۱۷۳۸، آغاز: برابر، انجام: «... و زیارت قبور است و خصوص ابوبین و حاجت خود را اینجا خواستن بعد از دعا». نسخه اصل: کتابخانه ندوة العلماء، لکهنو هند، شماره ۱۴۱ (ردیف ۱۳۸)، خط: نستعلیق، بی کاتب، بی تاریخ کتابت، انجامه کاتب: «بعون الله رساله ختم کردم/ به روز شنبه و غره محرم/ یکی از کاتبان احمد حسینم/ خدا ضاعف کند نور دو عینم»، ۸۷ ص، ۱۸ سطر [عکسی ف: ۵-۱۸۰].^۱

۱۵. نجم المؤمن (= نجم المؤمنین) (فقه - فارسی)

رساله‌ای در جواب صد و پنجاه و یک سؤال فقهی - کلامی که دوستان اهل هندوستان از او پرسیده بودند، این اثر در سال ۱۲۳۷ ق به نواب نجم الدوله ممتاز الملک مؤمن خان فتحعلی خان بهادر دلاور جنگ اهدا شده است. آغاز کتاب: «بسمله، حمد نامحدود، لایق معبود واجب الوجودی است که بنای نظام عالم ... اما بعد بنده شرمندة ضعیف که محتاج است ... نواب نجم الدوله ممتاز الملک مؤمن خان فتحعلی خان بهادر دلاور جنگ دام اقباله ...» انجام: «... و ابوحمزه ثمالی روایت کرده است که این سوره مدنی است و نازل شده است همه آن در حق علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام».

* نسخه های خطی

الف) قم، کتابخانه رضا استادی، شماره: نامعلوم، نستعلیق، بی کاتب، قرن ۱۳، ۳۷ برگ، مهر:

۱ مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۲، ص ۵۹۵-۵۹۶.

کتابخانه شیخ محمدحسین حائری، ۲۳ سطر، اندازه: ۱۶ در ۲۲ سم [صد و شصت نسخه: ۵۳].
 ب) مشهد مقدس، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره: ۲۱۹۲۷، آغاز و انجام: برابر،
 نستعلیق، بی‌کاتب، ۱۲۷۹ق، اهدایی: رهبری، فروردین ۱۳۷۴، ۴۷ برگ، ۱۳ سطر، اندازه:
 ۱۴ در ۱۹ سم [اهدائی رهبری ۳-۷۷۴] و [ف: ۲۰-۵۷۶].
 پ) مشهد، کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه مشهد، ش: ۱/۱۸۸۳۸، آغاز: برابر،
 نستعلیق، بی‌کاتب، بی‌تاریخ کتابت، جلد: تیماج، ۲۳ سطر [ف: ۲-۲۵۰].
 ت) قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ش: ۹۵۷۷، آغاز و انجام: برابر، نستعلیق،
 بی‌کاتب، بی‌تاریخ کتابت، مهر: کتابخانه شیخ محمدحسین (مربع)، ۳۷ برگ، ۲۳ سطر،
 اندازه: ۱۶ در ۲۳ سم [ف: ۲۴-۳۱۵].
 ث) مشهد، کتابخانه اصغرزاده، (مجموعه)، ش: ۶۲، بی‌کاتب، بی‌تاریخ کتابت [نشریه
 ۷-۷۷۱].^۱

آثار مفقود

۱. احسن الاقوال فی تحقیق ما هو الراجح بالالفاظ عند تعارض الاحوال، که آن را در سنه
 یک هزار و دو صد و سی و هشت (۱۲۳۸) هجری نوشته بود.^۲
۲. اصول دین به فارسی که آن هم ناتمام است.^۳
۳. اعانة الباری در جواب شبهات اخباری.
۴. ایقان، رساله در علم کلام به فارسی در بیان ارکان ایمان که آن را مشتمل بر رد اقوال
 بعض تلامذه سیدکاظم رشتی در اواخر عمر خود تصنیف فرموده و آن تا باب نبوت نوشته شد
 و نوبت به اتمام آن نرسید.
۵. رساله در ذکر پنج حدیث در فضائل جناب امیر علیه السلام که به فارسی است.
۶. مجاری الانهار ترجمه جلد هشتم بحار الانوار که آن را در سنه ۱۲۳۷ ق به حسب

۱ همان، ج ۳۳، ص ۱۶۲.

۲ محمد علی آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۲۰.

۳ همان، ج ۱، ص ۴۲۰.

- فرمایش مادر سلطان خلد منزل سابق الذکر معروفه به «پادشاه بیگم» مرحوم نوشته. باب اول و باب ثانی از آن به اتمام رسیده است و بس.
۷. مسودات در علم نحو و غیره که ناتمام است.
۸. مسوده شرح معالم الأصول در اصول فقه که آن هم ناتمام است.
۹. مصداق الإجتهد لإختیار جودة ما جمعه في الصدور والفؤاد در مسائل اصول فقه، حدیث، تفسیر و کلام که آن را هم در سنه ۱۲۳۵ ق تألیف فرموده.^۱
۱۰. نباریس الفرعیات فی نوامیس الشرعیات در فقه که نوبت به اتمام آن نرسیده و قدری از آن از باب طهارت تصنیف شده.^۲
۱۱. نکاح به زبان فارسی.
۱۲. هدیه السلطان در بیان اصول ایمان که آن را از راه تحفه برای پادشاه خلد منزل نصیر الدین حیدر مرحوم در بلده لکهنو تصنیف فرمود و تاریخ اتمام آن ماه شعبان سنه ۱۲۴۳ ق است.^۳

در کلام بزرگان

- میرزا محمدعلی کشمیری در کتاب «نجوم السماء» فصل خاصی را به معرفی ایشان اختصاص داده است و در تمجید از ایشان نهایت کوشش را به کار برده است.^۴
- صدرالافاضل در مورد او می نویسد: تألیفات و حواشی متعددی که نشان‌دهنده وسعت علمش می باشد، از او باقی است. می‌گویند عالمی که از لحاظ علم به مرتبه و مقام او رسیده باشد تا آن زمان از عراق و ایران در دیار او ظاهر نشده بود.^۵
- سیدحسن امین عاملی: فاضل فقیه حسن الإنشاء بالفارسیة من اعلام القرن الثالث عشر... من المراجع الدينية وائمة التقليد والفتوى في الهند ومحقق متبحر اصولي متضلع^۶

۱ همان، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲ همان، ج ۱، ص ۴۲۰.

۳ همان، ج ۱، ص ۴۲۱.

۴ محمدعلی آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۱۹.

۵ مرتضی حسین صدرالافاضل، مطلع انوار، ص ۶۵۷.

۶ سیدحسن امین عاملی، مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۱۱.

• آیت الله جعفر سبحانی: كان فقيهاً أصولياً من علماء الإمامية...^۱ و در جای دیگر می‌نویسد: من علماء الإمامية ومشاهيرهم... ونال حظاً وافراً من العلم، وأحرز مرتبة الاجتهاد...^۲

وفات

ملا محمد مهدی استرآبادی در ماه ذی القعدة سال ۱۲۵۹ قمری در شهر لکهنو هند بدرود حیات گفت، به جهت جایگاهی که وی در بین علمای هند داشته است او را در حسینیه غفران مآب و در کنار سید دلدار علی نقوی هندی که از شاگردان نامدار آقا وحید بهبهانی بوده و خود در هند مرجعیت تمام داشته است، دفن نمودند.^۳

منابع

۱. آزاد کشمیری، محمد علی بن محمد صادق، ۱۳۸۷ ش، نجوم السماء فی تراجم العلماء، مصحح: میرهاشم محدث ارموی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ دوم.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۳۰ ق، طبقات أعلام الشيعة، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چ اول.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۳ ق، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، بیروت، دارالأضواء، چ سوم.
۴. امین عاملی، سیدحسن، ۱۴۰۸ ق، مستدرکات أعيان الشيعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چ اول.
۵. بغدادی، اسماعیل، ۱۹۵۱ م، هدية العارفين: أسماء المؤلفين و آثار المصنفين، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چ اول.
۶. حسنی، شریف عبدالحی، ۱۳۸۲ ق، نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، حیدرآباد (هند)، مطبعة مجلس (دائرة المعارف العثمانية)، چ دوم.

۱ جعفر سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۳۵.

۲ جعفر سبحانی، معجم طبقات المتكلمين، ج ۵، ص ۱۸۹.

۳ محمد علی آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۱۹.

۷. حکیم، حسن عیسی، ۱۴۲۷ ق، المفصل فی تاریخ النجف الأشرف، قم، مکتبه الحیدریه، چ اول.
۸. درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹ ش، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، تهران، کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چ اول.
۹. درایتی، مصطفی، ۱۳۹۱ ش، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول.
۱۰. سایت بانک اطلاعات نسخ خطی: <http://www.aghabozorg.ir>.
۱۱. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۸ ق، موسوعه طبقات الفقهاء، قم، مؤسسه الإمام الصادق، چ اول.
۱۲. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۴ ق، معجم طبقات المتکلمین، قم، مؤسسه الإمام الصادق، چ اول.
۱۳. صدرالافاضل، مرتضی حسین، ۱۳۷۴ ش، مطلع انوار، مترجم: محمد هاشم، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چ اول.
۱۴. غروی، محمد، ۱۴۲۰ ق، مع علماء النجف الأشرف، بیروت، دارالثقلین، چ اول.
۱۵. کنتوری، اعجاز حسین، ۱۴۰۹ ق، کشف الحجب و الأستار عن أسماء الكتب و الأسفار، قم، کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی، چ دوم.